

به پیشواز اول می روز جهانی کارگران

بیراهه «صلح» و موقعیت طبقه کارگر

در آستانه اول ماه می روز جهانی همبسته‌گی طبقه کارگر، سرمایه‌داری همچنان در اشکال و ابعاد گوناگون از بشریت قربانی گرفته جنگ، فقر و مصائب بی‌شمار دیگری را بر آن‌ها تحمیل نموده است. شکاف‌های طبقاتی به عریان‌ترین شکل، وسعت یافته و بیش از پیش در حال گسترش است. نظام کاپیتالیستی در بخش وسیعی از کشورهای جهان فقر و محنت هولناکی را بر اکثریت عظیمی از بشریت تحمیل نموده و زنده‌گی میلیون‌ها انسان کارگر و فرودست را به ورطه تباهی کشانیده است؛ این در حالی است که بورژوازی و صاحبان سرمایه از قبل استثمار وحشیانه و به نیستی کشیدن طبقه کارگر و افشار فرودست و محروم به سودهای نجومی و غیر قابل‌تصور دست یافته‌اند.

در کنار مصائب دیگر، اپیدمی کرونا (COVID-19)، همچنان فاجعه می‌آفریند و حیات بشریت را تهدید می‌کند، تا این دم میلیون‌ها انسان را که اکثرشان از طبقات تهی‌دست و فرودست جوامع اند به کام مرگ و نیستی فرستاده است. فاجعه کرونا که اثرات دهشتناکی بر سلامت و معیشت انسان‌ها داشته به شکل آشکاری نشان داد که بورژوازی و دولت‌های سرمایه‌داری هیچ‌گونه ارزشی برای جان انسان‌ها قابل‌نبوده و نیستند. با وجود امکانات عظیم مالی، علمی و تکنولوژیک بیماران و مبتلایان حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، امکانات درمانی لازم و ضروری را در اختیار ندارند. پاندمی کرونا بیش از هر حادثه‌یی در جهان امروز، تناقضات عمیق نظام کاپیتالیستی و حرص و آز سیری‌ناپذیر آن را در ضدیت با سعادت، رفاه و سلامت و مصونیت بشر نشان داد. رقابت برای سهم بیشتر از بازار و کسب سود سرمایه‌دارانه باعث گشته تا بخش بزرگی از مردم در جهان از واکسن و درمان محروم بمانند. این حقیقت چهره کریه و ضدانسانی نظام مبتنی به کارمزدی سرمایه را که بنیادش بر فقر، نابرابری و تبعیض گذاشته شده است برملا می‌سازد؛ تا آن هنگامی که این تناقض و تضاد باقی است، بشر نه تنها از بحران‌ها و مصائب موجود رهایی نمی‌یابد، بلکه هر روز به سمت فاجعه‌یی ویرانگر و بزرگتری کشانیده می‌شود. فاجعه‌یی که ممکن است به نابودی و بازگشت ناپذیری کل حیاتش منتهی شود.

مبارزه برای ایجاد یک دنیای انسانی و برابر، فقط با الغای کارمزدی و زدودن کل رتق و فتق نظام سرمایه‌داری می‌تواند متحقق شود. بنابراین بشریت آزادی‌خواه، در پیشاپیش آن طبقه کارگر جهان، در اول ماه می باید عزمش را برای تغییر بنیادی وضعیت موجود و لغو برده‌گی مزدی و براندازی مالکیت خصوصی جزم نماید، با سازمان‌یابی، تحزب و همبسته‌گی جهانی، نوید بر پایی نظم سوسیالیستی را که در آن از فقر، محرومیت، تبعیض و نابرابری خبری نیست رو به بشریت اعلام بدارد.

اما در افغانستان در حالی که پیشواز روز جهانی طبقه کارگر می‌رویم که سرمایه‌داری جهانی و قدرت‌های منطقه‌یی در اجماع بر سر شکل دادن به آینده سیاسی جامعه افغانستان و تأمین منافع استراتژیک‌شان در مغالزه با نیروهای شرور و جنایتکار اسلامی، از جمله طالبان، مشغول طراحی و مهندسی ساختار جدید سیاسی در محور طالبان و سایر نیروهای اسلام سیاسی و ناسیونالیست‌های تباری‌اند؛ بورژوازی جهانی از خیر تداوم نیمچه دست‌آوردها و ضمانت آزادی‌های نیم بند این دو دهه پسین، که این همه با آن مباحثات می‌شد، گذشته است. طی دو دهه حضور مستقیم قدرت‌های جهانی و سرازیر شدن منابع عظیم مالی، کارگران و فرودستان در افغانستان سهمی جز فقر و ادبار، جنگ و کشتار و بی‌نانی و محرومیت نداشته‌اند. نه تنها این بل به دلیل تشنگی و عدم سازمان‌یابی در معادلات سیاسی-اجتماعی و در پروسه جاری "صلح" و شکل دادن به ساختار سیاسی جدید خواست‌ها و مطالبات کارگران و افشار فرودست و محروم جامعه نیز مورد توجه هیچ نهاد بورژوایی قرار نگرفته و نماینده‌گی نمی‌شود. براین اساس کارگران و فرودستان، اعم از زن و مرد، بازنده اصلی روندی‌اند که در غیاب و برخلاف منافع‌شان، توسط قدرت‌ها و دولت‌های سرمایه‌داری جهانی و اپادی محلی‌شان رقم می‌خورد.

به دلیل تشمت، عدم سازمانیابی و نفوذ جنبش‌ها و باورهای ارتجاعی، از جمله ناسیونالیسم قومی، کارگران بیشتر از گذشته متفرق و غیر متشکل اند؛ اگر این نقیصه وجود نمی‌داشت، طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی می‌توانست یک قطب جدی در معادلات جاری به شمار آید و با تکیه به قدرت اجتماعی خود به عنوان یک طبقه واحد حریف جریان‌ها و نهادهای بورژوازی باشد.

بر بستر یک چنین وضعیتی نیروها و نهادهای بورژوازی بین‌المللی تلاش مستمر به خرج می‌دهند تا پروژه شکل یافتن ساختار جدید سیاسی به سرانجام برسد. به رغم اعلام خروج نیروهای امریکا- ناتو بر اساس توافقنامه میان طرفین مذاکره تا ماه سپتامبر سال روان، و برگزاری کنفرانس قریب‌الوقوع استانبول که در آن قرار است ساختار جدید سیاسی مشتمل از طالبان و سایر جریان‌های اسلام سیاسی و ناسیونالیسم تباری مهندسی و شکل داده شود، رهبری طالبان و حامیان منطقه‌پی آن، که به یمن الطاف قدرت امپریالیستی امریکا دست بالایی یافته و در یک موقعیت برتر نسبت به دولت پوشالی و جریان‌های متشمت و متعارض حامی «جمهوریت اسلامی» قرار گرفته، هنوز تمایل و عجله‌یی برای شرکت در آن کنفرانس را نشان نداده است؛ هرچند حاکمیت، جناح ارگ به رهبری غنی، به نتیجه‌ی بازبینی توافق دوحه توسط رئیس‌جمهور امریکا، جو بایدن، به نفع تقویت و استحکام مواضع خود چشم دوخته و دل خوش کرده بود، اما با اعلام رسمی "پایان" حضور نظامی امریکا و متحدانش در پیمان ناتو، این امید و دلخوشی به یأس مبدل گشت. سرمایه‌داری جهانی و قدرت‌های امپریالیستی جهت تأمین منافع استراتژیک شان و همچنان اغوای افکار عمومی نیروهای مترقی در جهان و افغانستان، دیگر نیازی به "دکوراسیون دموکراتیک" و تأمین "حقوق و آزادی‌های مدنی" ندارند. چون بالاخره مناسبات کارمزدی چه در شکل و شمایل «جمهوریت» و چه در زیر عبا و قبا «امارت» تداوم می‌یابد و بساط استثمار و ستم و انباشت سرمایه همچنان گسترده خواهد ماند؛ و بازگشت تئوکراسی در هیأت یک دست و در همراهی با جریان‌های نئولیبرال و ناسیونالیست به قدرت سیاسی، منافع کل بورژوازی در تعارض و تقابل با جنبش‌های کارگری-سوسیالیستی، و سرکوب و به تمکین وا داشتن آن‌ها، ضمانت خواهد شد.

پس اول می‌فرستی است که طبقه کارگر و سایر فرودستان و محرومان با گردهمایی‌ها و بر پایی اعتراضات، نفرت عمیق و فریاد خفته در درون شان نسبت به این همه جنایت و ددمنشی، استثمار و برده‌گی مزدی، و توخش و لجام گسیخته‌گی هیولای سرمایه و نیروهای اسلام سیاسی را ابراز بدارند و نگذارند که سرنوشت و آینده شان را دیگران و بر خلاف منافع اکثریت عظیمی از مردم جامعه رقم بزنند. ما کارگران باید در یک چنین روزی در صف واحد یک صدا و متحد، سواى تعلقات زبانی، قومی و جنسیتی، از هستی و موقعیت اجتماعی مان به عنوان یک طبقه واحد و به عنوان انسان‌های هم‌سرنوشت و هم‌منفعت دفاع نموده و دست رد بزرگی به سینه نیروهای ارتجاعی و حامیان شان در کمپ ارتجاع بورژوا-امپریالیستی بزنیم.

اگر فعالان و کنشگران جنبش طبقه کارگر از جا نجنبند و با بی‌مبالاتی نسبت به سناریو شکل یافتن «امارت اسلامی» سرمایه بر خورد نمایند باید منتظر آینده دهشت‌ناکتر از آنچه که دیده و تجربه کرده اند باشند. طبقه کارگر و پیشروان سوسیالیست آن و جنبش‌های آزادی‌خواه و مترقی باید بدیل و افق خودشان از یک جامعه آزاد و برابر را ترسیم و رو به جامعه اعلام بدارند، جز این راه و گزینه دیگری وجود ندارد.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان در ضمن شادباش و تهنیت گفتن اول می، روز همبسته‌گی جهانی طبقه کارگر، از همه فعالان جنبش سوسیالیستی کارگری و نیروهای برابری طلب می‌خواهد که در تقابل با سناریوی «امارت اسلامی سرمایه» و اهداف بلندمدت استراتژیک قدرت‌های سرمایه‌داری، دولت‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای سپاه اسلام سیاسی، نئولیبرال و ناسیونالیست دست به دست هم داده صف مبارزاتی و مهمتر از آن آلترناتیو‌رهایی‌بخش خود شان را سر و سامان دهند. برای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر اصل سازمانیابی و شکل‌پذیری طبقه کارگر و ایجاد حزب جنبش اجتماعی طبقه کارگر است، تا از این طریق به مصاف هژمونی فکری و ایدئولوژیک طبقات دارا رفته و در نهایت پا در صحنه جدال برای شکل دادن به

آیندهٔ سیاسی جامعه بگذارد. کارگران، فرودستان و محرومان جامعه، به ویژه فعالان و کنشگران چپ و سوسیالیست جهت پاسخ به وضعیت جدید گزینهٔ مطلوبی جز شکل دادن به یک قطب رادیکال برای روبرو شدن و نفی سناریو مورد نظر کاپیتالیسم جهانی (سرهمنبندی و به اقتدار رساندن طالبان و سایر نیروهای اسلام سیاسی) را ندارند. انجام یک چنین امری بدون گفتمان سازنده، تلاش صادقانه، پیگیر و همگرایی فعالان کارگری و نیروهای چپ و سوسیالیست ممکن نیست. نیروی چپ و برابری طلب در جامعهٔ افغانستان که تشنهٔ رفاه و آزادی اند کم نیستند، این نیروها اگر که از تشنگی و پراکنده‌گی بیرون آیند می‌توانند عامل تحولات عظیمی به نفع اکثریت فرودست و محرومان جامعه گردند. بنابراین گزینهٔ دیگری جز پذیرفتن وضعیت هولناک جاری و تمکین به بربریت سرمایه و یا شکل دادن به آلترناتیو آزادیخواهانه و رهایی بخش کارگری وجود ندارد.

فرخنده و گرامی باد اول می!

زنده باد سوسیالیسم!

به پیش به سوی اتحاد و تحزب سوسیالیستی طبقهٔ کارگر!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۶ ثور ۱۴۰۰؛ 26 اپریل 2021

